



# خلاصۃ الأشعار وزبدۃ الأفكار

(بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن)

تألیف

میر تقی الدین کاشانی

(زنده در ۱۰۱۶ ه. ق.)

تصحیح و تحقیق

رقیه بایرام حقیقی

- سرشناسه : تقی‌الدین کاشی، محمدبن علی، ۹۹۴۶ - ۹۱۰۱۶ ق.
- عنوان و نام پدیدآور : خلاصة الاشعار و زبدة الافکار (بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / تألیف میر تقی‌الدین کاشانی (زنده در ۱۰۱۷ ق.); تصحیح و تحقیق رقیه بایرام حقیقی
- مشخصات نشر : تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب؛ تبریز: موسسه فرهنگی هنری صفای امید؛ دانشگاه تبریز، موسسه تحقیقات علوم اسلامی و انسانی، ۱۳۹۵.
- مشخصات ظاهری : صد و بیست و شش، ۲۶۵، ۷ ص.
- فروست : میراث مکتوب؛ ۲۹۱. زبان و ادبیات فارسی؛ ۶۹
- شابک : 978-600-203-118-1
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
- یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۵۵.
- موضوع : شاعران ایرانی - قرن ۱۰ ق - سرگذشتنامه
- موضوع : Poets, Persian - 16th century - Biography
- موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۰ ق. - مجموعه‌ها
- موضوع : Persian Poetry - 16th century - Collections
- شناسه افزوده : بایرام حقیقی، رقیه، ۱۳۵۸ - ، مصحح
- شناسه افزوده : مرکز پژوهشی میراث مکتوب
- شناسه افزوده : دانشگاه تبریز. موسسه علوم اسلامی - انسانی
- رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۵ / ۷۷۱۵۰۱ خ ۷ / ۳۷۵۱ PIR
- رده‌بندی دیوپی : ۸۱ / ۴۰۹
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۴۱۶۵۵۱

# خلاصة الأشعار وزبدة الأفكار

(بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن)

تألیف

میر تقی الدین کاشانی

(زنده در ۱۰۱۶ هـ.ق)

تصحیح و تحقیق

رقیه بایرام حقیقی



مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی و انسانی



## خلاصه الأشعار و زبدة الأفكار

(بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن)

تألیف: میر تقی‌الدین کاشانی (زنده در ۱۰۱۶ ه. ق)

تصحیح و تحقیق: رقیه بایرام حقیقی (استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور)

ناشر: میراث مکتوب

با همکاری

مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی و انسانی دانشگاه تبریز

و

مؤسسه فرهنگی، هنری صفای امید

مدیر تولید: محمد باهر

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملو فرد

ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی: مصطفی امیری

صفحه‌آرا: رضا سلگی

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بها با جلد شومیز: ۲۷۰۰۰ تومان

بها با جلد سخت: ۳۷۰۰۰ تومان

شابک: ۱-۱۱۸-۲۰۳-۶۰۰-۹۷۸

چاپ (دیجیتال): میراث



همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است

نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۰۶۲۵۸، دورنگار: ۶۶۴۹۰۶۱۲

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>



دریابی از فرهنگ پرمایه اسلام و ایران در خمی خطی موج می زند. این نسخه با در حقیقت، کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ و هویت نامه ما ایرانیان است بر عهده هنر ملی است که این میراث پراج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

با همه کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تبیع در آنها انجام گرفته و صد ها کتاب در ساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار ناکرده بسیار است و هزاران کتاب در ساله خطی موجود در کتابخانه های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است بسیاری از متون نیز، اگرچه با طبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تبیع صحیح مجدداً نیاز دارد. احیاء و نشر کتاب ها و رساله های خطی و طیفه ای است بر دوش محققان و مؤسسات فرهنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوشش های محققان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه مندان به دانش و فرهنگ سعی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

اکبر ایرانی  
مدیر عامل مرکز پژوهشی میراث مکتوب

با یاد پدرم

به پاس هر آنچه که از او آموختم



## فهرست مطالب

|                                                                                |             |
|--------------------------------------------------------------------------------|-------------|
| پیشگفتار.....                                                                  | سیزده       |
| مقدمه.....                                                                     | هفده        |
| زندگینامه میر تقی الدین کاشانی.....                                            | هفده        |
| نام و نسب.....                                                                 | هجده        |
| تاریخ تولد.....                                                                | هجده        |
| محل تولد و نشو و نما.....                                                      | هجده        |
| شغل و حرفه مؤلف.....                                                           | نوزده       |
| مسافرت‌های تقی الدین کاشی.....                                                 | نوزده       |
| تاریخ وفات تقی الدین کاشی.....                                                 | بیست        |
| آثار تقی الدین کاشی.....                                                       | بیست و یک   |
| نمونه‌هایی از سروده‌های تقی الدین کاشی.....                                    | بیست و چهار |
| ساختار کلی خلاصه‌الاشعار و زیده‌الافکار.....                                   | سی          |
| شیوه‌های نگارش.....                                                            | سی و دو     |
| منابع تقی کاشی در خلاصه‌الاشعار.....                                           | سی و دو     |
| ارزش‌ها و اهمیت خلاصه‌الاشعار.....                                             | سی و سه     |
| خلاصه‌الاشعار و سلاطین.....                                                    | سی و چهار   |
| دست‌نویس‌های خلاصه‌الاشعار.....                                                | سی و پنج    |
| دست‌نویس‌های مورد استفاده در تصحیح بخش «تبریز و آذربایجان و نواحی آن» از خاتمه |             |
| خلاصه‌الاشعار.....                                                             | سی و پنج    |
| یک. دست‌نویس شماره ۳۳۴ مجلس شورا.....                                          | سی و هفت    |

|                                                                        |              |
|------------------------------------------------------------------------|--------------|
| دو. نسخه شماره ۴۵۴۹ کتابخانه مجلس شورا.....                            | سی و هفت     |
| سه. دست نویس شماره ۲۴۴ مجلس شورا (سنای سابق).....                      | سی و هشت     |
| چهار. دست نویس شماره ۵۹ ج دانشکده ادبیات .....                         | سی و نه      |
| پنج. دست نویس شماره ۶۶۸ ایندیا آفیس .....                              | سی و نه      |
| شاعران معرفی شده در خلاصه الأشعار (بخش شاعران تبریز و آذربایجان) ..... | چهل          |
| حقیری تبریزی .....                                                     | چهل و یک     |
| نثاری تبریزی .....                                                     | چهل و سه     |
| خواری تبریزی .....                                                     | چهل و چهار   |
| شکیبی تبریزی .....                                                     | چهل و پنج    |
| محمود بیگ سالم .....                                                   | چهل و شش     |
| طوفی تبریزی .....                                                      | چهل و هفت    |
| وصالی تبریزی .....                                                     | چهل و هشت    |
| حیدری تبریزی .....                                                     | چهل و نه     |
| محمد حسین صبوری تبریزی .....                                           | پنجاه و یک   |
| محمد شریف وقوعی تبریزی .....                                           | پنجاه و دو   |
| حسن بیگ عجزی .....                                                     | پنجاه و سه   |
| محمود بیگ فسونی تبریزی .....                                           | پنجاه و چهار |
| میرجعفری تبریزی .....                                                  | پنجاه و پنج  |
| حالی تبریزی .....                                                      | پنجاه و شش   |
| سلطان محمد (عزمی) .....                                                | پنجاه و هفت  |
| حکیم ابوطالب تبریزی .....                                              | پنجاه و هفت  |
| قاضی وافی .....                                                        | پنجاه و هشت  |
| چلبی بیگ علامه .....                                                   | پنجاه و نه   |
| میرحسین سهوی تبریزی .....                                              | شصت          |
| فانی تبریزی .....                                                      | شصت و شش     |
| صافی تبریزی .....                                                      | شصت و شش     |
| صیرفی تبریزی .....                                                     | شصت و هفت    |
| معروف تبریزی .....                                                     | شصت و هفت    |

|                                                        |              |
|--------------------------------------------------------|--------------|
| جانبی تبریزی .....                                     | شصت و هشت    |
| طفیلی تبریزی .....                                     | شصت و هشت    |
| قوسی تبریزی .....                                      | شصت و نه     |
| خواجه امیربیگ مهردار .....                             | هفتاد        |
| کافی اردوبادی .....                                    | هفتاد و دو   |
| صادق اردوبادی .....                                    | هفتاد و دو   |
| مولانا ثباتی .....                                     | هفتاد و چهار |
| برگی تبریزی .....                                      | هفتاد و چهار |
| فردی اردبیلی .....                                     | هفتاد و پنج  |
| بزمی اردبیلی .....                                     | هفتاد و پنج  |
| وارثی اردبیلی .....                                    | هفتاد و هفت  |
| عبدی شروانی .....                                      | هفتاد و هفت  |
| مکتب وقوع (بررسی ویژگیها، آغازگران و خاستگاه آن) ..... | هفتاد و هشت  |
| تبریز و مکتب وقوع .....                                | هشتاد        |
| دلایل ناکامی مکتب وقوع .....                           | هشتاد و شش   |
| نگاهی به شعر فارسی در عهد تیموری .....                 | هشتاد و هشت  |
| ویژگی های اشعار وقوعی .....                            | نود          |
| آغازگران مکتب وقوع و تکوین اصطلاح «وقوع» .....         | یکصد و سه    |
| واسوخت .....                                           | یکصد و سیزده |

|                                                                       |    |
|-----------------------------------------------------------------------|----|
| اصل هفتم - در ذکر شعرای دارالسلطنه تبریز و آذربایجان و نواحی آن ..... | ۱  |
| مولانا حقیری .....                                                    | ۱  |
| مولانا نثاری .....                                                    | ۱۳ |
| مولانا خواری .....                                                    | ۲۲ |
| مولانا شکیبی .....                                                    | ۳۲ |
| محمود بیگ سالم .....                                                  | ۳۴ |
| مولانا طوفی .....                                                     | ۳۷ |
| مولانا وصالی .....                                                    | ۵۳ |

|     |                           |
|-----|---------------------------|
| ۵۵  | مولانا حیدری.....         |
| ۶۴  | مولانا صبورى.....         |
| ۷۴  | مولانا وقوعى.....         |
| ۱۱۴ | حسن بیگ عجزى.....         |
| ۱۲۲ | محمود بیگ فسونى.....      |
| ۱۳۳ | میر جعفرى.....            |
| ۱۳۶ | مولانا حالى.....          |
| ۱۴۴ | مولانا سلطان محمد.....    |
| ۱۵۶ | حكیم ابوطالب.....         |
| ۱۶۲ | قاضى وافى.....            |
| ۱۶۶ | چلبى بیگ.....             |
| ۱۹۰ | مولانا میر حسین سهوى..... |
| ۱۹۸ | مولانا فانى.....          |
| ۲۰۱ | مولانا صافى.....          |
| ۲۰۱ | مولانا صیرفى.....         |
| ۲۰۲ | مولانا معروف.....         |
| ۲۰۳ | مولانا جانبى.....         |
| ۲۰۳ | مولانا طفیللى.....        |
| ۲۰۳ | مولانا قوسى.....          |
| ۲۰۴ | خواجه امیر بیگ مُهر.....  |
| ۲۰۷ | میرزا کافى.....           |
| ۲۰۸ | میرزا صادق.....           |
| ۲۱۱ | مولانا ثباتى.....         |
| ۲۱۲ | مولانا برگى.....          |
| ۲۱۶ | مولانا فردى.....          |
| ۲۲۳ | مولانا بزمى.....          |
| ۲۲۶ | مولانا وارثى.....         |
| ۲۲۸ | مولانا عبدى.....          |

|     |       |              |
|-----|-------|--------------|
| ۲۳۱ | ..... | تعلیقات      |
| ۲۴۷ | ..... | نمایه‌ها     |
| ۲۴۹ | ..... | ۱. کسان      |
| ۲۵۲ | ..... | ۲. جای‌ها    |
| ۲۵۴ | ..... | ۳. کتاب‌ها   |
| ۲۵۵ | ..... | منابع و مآخذ |



## پیشگفتار

تذکره خلاصه الاشعار و زبدة الافکار، تألیف میر تقی الدین محمد بن علی حسینی کاشانی متخلص به ذکری و مشهور به میر تذکره است که بین سال‌های ۹۷۶ - ۱۰۱۶ تألیف و نگارش آن به انجام رسیده است. این تذکره یکی از مفصل‌ترین و سودمندترین تذکره‌های عمومی زبان فارسی است که از لحاظ حجم اشعار و اشمال بر تعداد شاعران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. چنانکه از مندرجات خلاصه الاشعار نیز برمی‌آید مؤلف در تنظیم شرح حال و اشعار متقدمان کوشیده است با مراجعه به دیوان‌های شاعران و گاه دست‌خط آنها و در بخش معاصران با دیدار و پرسش مستقیم از خود ایشان یا از طریق نامه‌نگاری و یا استناد به «قول معتمدان»، اطلاعاتی مستند درباره شعر و احوال آنها ارائه دهد. از این رو اطلاعاتی که درباره برخی از شاعران از آن جمله، زکی مراغه‌ای، کافی ظفر همدانی و ذوالفقار شروانی ارائه می‌دهد در بسیاری از موارد در هیچ جای دیگر به جز مأخذ مذکور موجود نیست و یا در بخش شاعران دارالسلطنه تبریز سلطان محمد تبریزی، وقوعی و خواری تبریزی از جمله شاعرانی هستند که اشعارشان یا در جای دیگر اصلاً پیدا نمی‌شود و یا به سختی می‌توان ابیات معدودی از آنها را یافت ولی بر اساس خلاصه الاشعار می‌توان دیوانچه‌ای برای آنها ترتیب داد.

همانطور که گفته شد بخش معاصران این تذکره به دلیل ارتباطات و دسترسی‌های خاص تقی کاشی به اشعار شاعران همدوره وی و نیز دقت و وسواس ستودنی او در گزینش و انتخاب شعرها، از معتبرترین منابع شعر عصر صفوی به شمار می‌آید. از این رو

تمامی بخش‌های آن که مشتمل بر دوازده اصل و هر اصل ویژه ناحیه‌ای معین است، توجه و انگیزه تصحیح علاقه‌مندان را برانگیخته است. راقم این سطور با اشتیاق به شفاف ساختن زاویه‌ای تاریک از تاریخ ادبیات و فرهنگ زادگاه مادری خود، تصحیح اصل هفتم در ذکر شعرای دارالسلطنه تبریز و آذربایجان و نواحی آن و تحقیق در این باره را موضوع این پژوهش قرار داد و پس از تهیه نسخ موجود از خلاصه‌الاشعار و جمع‌آوری یادداشت‌هایی در خصوص زندگی‌نامه، شیوه‌نگارش، دیدگاه‌های جمال‌شناسی شعری و سروده‌های تقی کاشی از خلال نسخه‌های خلاصه‌الاشعار و نقل قول‌های وی در این خصوص و همچنین جنگی به خط خود تقی‌الدین که حاوی آگاهی‌هایی ارزشمند درباره وی است و نیز گفته‌های تذکره‌هایی چون عرفات‌العاشقین، صف‌ابراهیم و روز روشن در صدد برآمد تا زندگی‌نامه مفصلی از وی در مقدمه فراهم آورد اما با انتشار کتابچه‌ای با عنوان میر تذکره از خانم نفیسه ایرانی در مرکز پژوهشی میراث مکتوب که اختصاصاً به معرفی و شناخت تقی کاشی پرداخته بود و از سوی دیگر به دلیل محدودیت منابع زندگی‌نامه تقی‌الدین که مؤلف کتاب میر تذکره و نگارنده این سطور را به اطلاعاتی مشترک سوق داده بود، مصمم شد چند نکته و برداشت متفاوت از تحقیق خود را در این نوشتار درج کرده و تحقیق خود را به سمت و سویی دیگر از جمله بررسی فضای فرهنگی دارالسلطنه تبریز، نحوه مواجهه آن مرکز ادبی با رویکردهای جدید در شعر و تأثیرگذاری آن در پروردن و بالاندن مکتب وقوع که بعدها جریان غالب شعری در تمامی نواحی ایران شد، بررسی معیارها و وجوه استحسانی منتخب و نیز آسیب‌شناسی اجتماعی و فکری شاعران آن دیار که شمایی است از سیمای شاعران نواحی دیگر ایران، همچنین سیر تکوین نظریه و اصطلاح وقوع معطوف گرداند. نظر به صبغه غالب شعرها در بین شاعران تبریز که از پیروان مکتب وقوع بودند بحث در مورد آغاز، رشد و عوامل ترقی یا انحطاط این نظریه را ضروری می‌نمود. جستجو در میان نقل قول‌ها و اظهارنظرهای تذکره‌نویسان و محققان معاصر در باب پیشاهنگان مکتب وقوع که بنا به نظرگاه‌هایی مختلف، بابا فغانی، شهیدی قمی و لسانی شیرازی را مطرح کرده بودند

دستآورد این نوشته را به نکته‌ای جدید درباره خاستگاه جغرافیایی این مکتب رهنمون شد که در مقدمه به آن پرداخته‌ایم.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از تمام کسانی که در به سامان رسیدن این پژوهش یاریگر من بودند از صمیم قلب سپاسگزاری کنم. ابتدا از جناب آقای دکتر علیرضا حاجیان‌نژاد که تمامی این پژوهش را با دقت و حوصله ستودنی مطالعه کرده و نکات سودمندی را ارائه کردند قدردانی می‌کنم.

نیز از همدرس پیشین و همسراکنون، آقای مهدی رحیم‌پور قدردانی می‌کنم که جای جای این پژوهش برای من تداعی‌کننده همراهی‌ها و راهنمایی‌های وی، چه در پیدا کردن نسخه‌ها و چه در یافتن منابع در روزهای تدوین این نوشته است. سپاس می‌دارم صبر و شکیبایی او را در آن ایام که فضای خانه‌مان به خاطر کتابها و یادداشتهای پراکنده من در هر سو، بسی تنگتر از حوصله من شده بود.

و سرانجام از آقای دکتر اکبر ایرانی، مدیر محترم و ادب‌دوست مرکز پژوهشی میراث مکتوب که زمینه چاپ این اثر را در آن مرکز فراهم کردند سپاسگزاری می‌کنم. با آرزوی نیک‌بختی و کامیابی برای همه همراهان این نوشته.

رقیه بایرام‌حقیقی

تیر - ۱۳۹۴



## مقدمه

### زندگینامه میر تقی الدین کاشانی

در خصوص میر تقی الدین کاشانی در منابع مختلف مطالبی بیان شده است و به تازگی اثر مستقلی نیز درباره وی نوشته شده است. در اینجا ضمن اشاره به این منابع، به مطالبی که در منابع مذکور یا اصلاً پرداخته نشده و یا کمتر بدانها توجه شده است، خواهیم پرداخت. صرف نظر از تذکرة‌های معدودی که به تقی کاشی پرداخته‌اند و در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد، یکی از مهمترین کتابهایی که اشاره مختصری به زندگینامه تقی کاشی کرده، تاریخ تذکرة‌های فارسی، به قلم گلچین معانی است که در ضمن معرفی خلاصه‌الاشعار، به صورت پراکنده در مورد تقی کاشی و نیز صحت و سقم سفر وی به هندوستان بحث کرده است (ص ۵۴۳ - ۵۴۴). در منابعی چون تاریخ ادبیات در ایران از دکتر ذبیح‌الله صفا (ج ۵، بخش ۳، ص ۱۷۱۳ - ۱۷۱۴)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی از سعید نفیسی (ج ۱، ص ۳۷۹)، تذکرة‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، از علیرضا نقوی (ص ۱۲۴) به صورتی مختصر به احوال تقی کاشی پرداخته شده است. از منابع غیر فارسی می‌توان به مقاله فرانسوا دوبلوا (deBlois, F.C) در Encycloapedia، (ج x) و استوری (story) در Persian Literature اشاره کرد.

علاوه بر منابع فوق، اخیراً کتابچه‌ای با عنوان میر تذکرة (شناختنامه میر تقی الدین محمد کاشانی) به قلم نفیسه ایرانی و از طریق انتشارات میراث مکتوب منتشر شده که نویسندگان در آن سعی کرده است بر اساس آثار خود تقی الدین و نیز منابع و تذکرة‌های

دیگری به ابعاد مختلف زندگی تقی‌الدین کاشی بپردازد. در حال حاضر این نوشته را می‌توان جامع‌ترین تحقیق در خصوص تقی کاشی و اثر سترگش خلاصة‌الاشعار دانست. ما در اینجا براساس منابع پیش‌گفته و نیز سایر منابع و تذکرها به اجمال به معرفی تقی‌الدین کاشانی می‌پردازیم و به نکته‌ها و مواردی که در دیگر منابع، کمتر بدانها پرداخته شده اشاره می‌کنیم:

### نام و نسب

نام او میر تقی محمد، سید شرف‌الدین علی حسینی کاشانی است که در زمان خودش به «میر تقی» و «میر تذکره» معروف، و تخلصش در شعر «ذکری» بوده است.

### تاریخ تولد

تاریخ تولد او محل بحث و تردید است. برخی (اشپرنگر، ۱۸۵۴، ج ۱، ص ۱۳)، استوری (۱۹۵۳، ج ۴، ص ۸۰۳) به نقل از بلاند، صفا (۱۳۷۰، ج ۵/۳، ص ۱۷۱۳ و نفیسی (۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۷۹) تاریخ تولد او را ۹۴۶ ق دانسته‌اند. خود استوری (همان‌جا) نیز ۹۴۳ ق را تاریخ تقریبی تولد تقی‌الدین می‌داند. استدلال استوری چنین است که تقی در ذیل خاتمة خلاصة‌الاشعار گفته است: «اکنون که سنّ این کمینه از پنجاه، شصت تجاوز نموده» استوری نیز بر اساس این جمله او، پنجاه سال را از ۹۹۳ ق که تاریخ اختتام پنج جلد نخست خلاصة‌الاشعار بوده، کم کرده و به ۹۴۳ ق رسیده است. در تحقیقات متأخرین، ۹۵۶ ق تاریخ تقریبی تولد تقی کاشی ذکر شده است؛ با این استدلال که تقی کاشی در خاتمه، ۱۰۱۶ ق را پایان پنج جلد تذکره بیان کرده و از طرفی اگر شصت سال را از این تاریخ کم کنیم ۹۵۶ ق. تاریخ احتمالی تولد تقی‌الدین کاشانی خواهد بود (ایرانی، ۱۳۹۱، ص ۹).

### محل تولد و نشو و نما

وی در کاشان متولد و در همانجا به تعلیم و تربیت مشغول شد. او از شاگردان محتشم

کاشانی بود و فنون ادبی را نیز از وی آموخت. رابطه استادی و شاگردی بسیار خوبی بین آن دو برقرار بوده؛ در حدی که محتشم کاشانی هنگام بیماری و قبل از درگذشتش از تقی خواست دیوانش را جمع آوری کند. تقی نیز این کار را انجام داد و مقدمه‌ای بر آن نوشت. وی مدت زمان طولانی از زندگیش را به مطالعه دووین شعرا و جمع آوری احوال و اشعار شاعران مختلف می‌پرداخت و در کاشان در مدرسه مجدیة آن شهر سکونت داشته است (تقی کاشی، خلاصة الاشعار، نسخه ایندیا آفیس، گ ۱۲۲۸ پ).

### شغل و حرفه مؤلف

ایرانی (۱۳۹۱، ص ۱۳ - ۱۴) براساس نامه‌ای از تقی الدین کاشی «به یکی از یاران عزیز» که در جنگ گردآوری شده توسط خود تقی کاشی، مندرج است، شغل وی را «اشراف و نویسندگی» دانسته است. این نامه در صفحه ۲۹ جنگ یاد شده مندرج است.

### مسافرت‌های تقی الدین کاشی

تقی الدین کاشی در طول تألیف تذکره به شهرهای اصفهان، عتبات عالیات همراه ناطقی استرآبادی، همدان و نواحی نهاوند در سال ۱۰۱۰ ق، مشهد (دوبار و دومی در سال ۱۰۱۷ ق) سفر کرده است. (گلچین معانی، ۱۳۶۳، ۱/ ص ۵۴۳).

مهمترین مسئله در خصوص سفرهای وی، بحث در چند و چون سفر تقی به هندوستان است. نفیسی (همان، ص ۳۷۹ و ۸۰۵) معتقد است تقی الدین کاشی در اواسط عمرش به هندوستان رفته است و تذکره خلاصة الاشعار را در سال ۹۸۵ ق، در بیجاپور به نام ابراهیم عادلشاه ثانی (حک: ۹۸۸ - ۱۰۳۷ ق / ۱۵۸۰ - ۱۶۲۸ م) تألیف و تدوین کرده، و در نهایت در سال ۹۹۳ ق از تألیف آن فارغ شده است. علیرضا نقوی (۱۳۴۳، ص ۱۲۴) نیز بر این اعتقاد است که تقی در اواخر عمرش به هندوستان رفت و در سال ۱۰۱۶ ق تذکره‌اش را به ابراهیم عادلشاه ثانی تقدیم کرد. اما گلچین معانی (همان، ص ۵۴۳ - ۵۴۴) به کلی سفر تقی کاشی را به هند مردود می‌داند و معتقد است

وی حتی یک بار هم به هند نرفته و این اظهار نظر ناشی از اشتباه یک فهرست‌نویس بوده است. از نظر گلچین معانی تنها سفر دور تقی کاشی، سفرش به عتبات در سال ۹۹۰ ق بوده است. شیوه جمع‌آوری اشعار فارسی شعرای مقیم هند نیز به این صورت بوده که خودشان به واسطه مسافران اشعار خود را برای ثبت در تذکره خلاصه‌الاشعار به تقی کاشی ارسال می‌کردند (گلچین معانی، همان، ص ۵۴۳). از دیگر دلایل گلچین برای ردّ سفر تقی کاشی به هند اظهار نظر تقی‌الدین اوحدی صاحب تذکره عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفين است که در تذکره‌اش ذیل نام تقی نوشته «در این ازمنه شنیده شده که به حق پیوسته» (اوحدی، ۱۳۸۹، ۲/ ص ۸۷۴). از نظر گلچین معانی اگر تقی کاشی در هند بود قطعاً تقی اوحدی که خود ساکن هند بود، از جزئیات درگذشت وی اطلاعات بیشتری ارائه می‌داد و به عبارت «شنیده شد» اکتفا نمی‌کرد (گلچین معانی، همان، ص ۵۴۴). نیز اگر تقی کاشی به هند می‌رفت در آن صورت ذکر احوال و اشعار شعرای دربار ابراهیم عادلشاه مثل ظهوری ترشیزی و ملک قمی را از خود آنها می‌گرفت، در حالی که در ذکر احوال آنها صراحتاً گفته که اشعارشان را از هند فرستادند (همانجا).

### تاریخ وفات تقی‌الدین کاشی

در خصوص وفات تقی کاشی جای تردید و تأمل وجود دارد. تقی اوحدی در عرفات‌العاشقین (۳/ ص ۸۷۴) ذیل «ذکری» (تخلص تقی‌الدین کاشی) گفته است: «در این ازمنه شنیده شد که به حق پیوسته». همچنانکه می‌دانیم، اوحدی عرفات‌العاشقین را بین سالهای ۱۰۲۲ تا ۱۰۲۴ ق تألیف کرده است. همچنین طبق اشاره خود تقی در صفحات پایانی خلاصه‌الاشعار مبنی بر اتمام نهایی تذکره به دلایلی از جمله ضعف جسمانی: «و در شهور سنه ست عشر و الف در تذکره‌نویسی را جهت ضعف قوا بر خود بست و التزام نمود که بعد الیوم دیگر قلم به اسم شاعری تر نکند و نام شخصی را داخل این تذکره نگرداند» (نک: دست‌نویس ایندیا آفیس، گ: ۱۳۴۶ پ) می‌دانیم که تقی در سال ۱۰۱۶ ق تألیف خلاصه‌الاشعار را به اتمام رسانده و این بدان معناست که وی در سال

مذکور زنده بوده است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که وی بین سال‌های ۱۰۱۶ تا ۱۰۲۴ ق وفات یافته است.

لازم به ذکر است احوال تقی کاشی در تذکره‌های معدودی چون عرفات‌العاشقین تقی اوحدی (۸۷۴/۳)، صحف‌ابراهیم علی ابراهیم‌خان خلیل (میکروفیلم شماره ۸۰۸ دانشگاه تهران، گ ۱۵۰ پ) و روز روشن صبا (ص ۲۰۵) آمده است و این تذکره‌ها اطلاعات ناچیزی در خصوص تقی دارند. تنها در تذکره‌های صحف ابراهیم و روز روشن به ماجرای اهدای تذکره به ابراهیم عادلشاه ثانی، پادشاه دکن، در سال ۱۰۱۶ ق اشاره شده است.

### آثار تقی‌الدین کاشی

۱. مجمع‌القصاید: اثری است در ۳ جلد که شامل خلاصه‌ای از دواوین ۲۵ شاعر قدیمی است که عبارت‌اند از: عنصری، فرخی سیستانی، اثیرالدین اخسیکتی، مسعود سعد سلمان، ابوالفرج رونی، سیدحسن غزنوی، ازرقی هروی، عثمان مختاری، ظهیر فاریابی، مجیرالدین بیلقانی، امیر معزی، انوری ابیوردی، عبدالواسع جبلی، ادیب صابر، رشید وطواط، سوزنی سمرقندی، جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی، اثیرالدین اومانی، سراج‌الدین قمری، امامی هروی، فریدالدین احول، شمس‌الدین طبسی، رکن صاین هروی، بدرچاچی و مجد همگر.

این مجموعه در سال‌های ۱۰۶۷ و ۱۰۶۸ تحریر شده است و آقای دبیر سیاقی (۱۳۴۲، ص ۹) به اشتباه تاریخ کتابت را به جای تاریخ تدوین در مقدمه دیوان عنصری ثبت کرده‌اند. این نسخه که در کتابخانه شخصی، آقای دکتر دبیرسیاقی موجود است و قسمتی از آن نیز که مشتمل بر قصاید جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی، سید حسن غزنوی، و ادیب صابر ترمذی است، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۴۴۸۰ نگهداری می‌شود که به اشتباه در آن کتابخانه، دست‌نویسی از عرفات‌العاشقین معرفی شده است (ر.ک: گلچین معانی، همان، ۵۵۴/۱-۵۵۵).

۲. تدوین دیوان محتشم کاشانی: تقی کاشی در مقدمه‌ای که بر دیوان محتشم کاشانی نوشته، در خصوص تاریخ، علت و نحوه گردآوری دیوان مذکور چنین گفته است:

«چون حضرت فصاحت و بلاغت شعار... مولانا کمال‌الملة و الفصاحة و البلاغة و الهداية و التقوى و الدین محتشم، روح‌الله روحه بشفاعة ائمة الطاهرين ..... ناگاه در شهر سنة ۹۹۶، طایر روح بلندپروازش به هوای فضای دلگشای ریاض رضوان، قفس تن شکسته متوجه عالم بقاست و در مرض الموت چند نوبت این مخلص حقیقی، اعنی تقی‌الدین محمدالحسینی را طلب داشته وصیت کرد که اشعار بلاغت صفات و واردات طبع معجز آیاتش را از غزل و قصاید و مقطعات و رباعیات و تواریخ و معنیات و مثنویات که اکثر آنها ترتیب نیافته جمع نمایم و به طریق کلیات استادان متقدمین، دوآوینش ترتیب داده هر قسم شعری را در دیوانی که مناسب باشد ثبت و مسطورگردانم تا به واسطه آن، مذکور خواطر شریفه و ملحوظ ضمائر منیفه مستعدان روزگار گردد و فواید آن در بیان سخن‌شناسان جهان اعم و عواید آن اتم باشد لاجرم این کمینه فرمان‌بردار، که سعادت دارین در قبول و امتثال این امر از آن جناب می‌دانست، از وفور اخلاص و کثرت اختصاص با وجود ضعف دماغ و عدم فراغ و نهایت پریشانی و بی‌سامانی، منت بر جان نهادم و قبول آن وصیت از ملک‌الشعرا نمودم.» (ر.ک: مقدمه تقی کاشی بر دیوان محتشم کاشانی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۶-۲۴۷).

تقی کاشی اشعار محتشم را در هفت دیوان گردآوری کرده است. ظاهراً تنها دو دست‌نویس از مقدمه تقی کاشی بر دیوان محتشم باقی مانده است: یکی دست‌نویس شماره ۴۵۸ کتابخانه ملی ایران که در سال ۱۰۸۸ ق از روی اصل دست‌نویس تقی کاشی کتابت شده است. این دست‌نویس توسط مصححان هفت دیوان محتشم کاشانی، مرحوم عبدالحسین نوایی و مهدی صدری، در سال ۱۳۸۰ چاپ شده است (ص ۲۴۳-۲۵۶)؛ دیگری دست‌نویس شماره ۷۷۸۹ موزه بریتانیا که در سال ۱۲۰۸ ق در ۲۵ برگ کتابت شده است (ر.ک: ریو، ۱۸۸۱، ۶۶۵).

۳. مآثر الخضریه: کتابی است در خصوص آبادانی‌ها و بناهای ساخته شده به همت

آقاخضرای نهاوندی، برادر ملا عبدالباقی نهاوندی، که پس از سال ۱۰۱۱ ق نوشته شده است. طبق گفته تقی کاشی در جنگ خود (ص ۱۹۳) این کتاب به دستور شاه عباس کبیر نوشته شده است. ولی تاکنون اثری از این کتاب پیدا نشده است (ر.ک: گلچین معانی، همان، ۱/ ص ۵۵۴؛ ایرانی، ۱۳۹۱، ص ۳۸).

۴. جنگ: این جنگ که اغلب به خط خود تقی کاشی است به شماره ۱۰۶۶ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی قم نگهداری می شود. و شامل اشعار و نامه هایی از شعرا و ادبای آن زمان است. در این جنگ اشعاری از سنایی، ناصرعلی سرهندی، انوری، ابن یمین فریومدی، طالب آملی و ... دیده می شود.

همچنین رقعات و یادداشت هایی از خود تقی کاشی به کسانی چون تقیای شوشتری و مخاطبانی با عناوین «یاران عزیز، محبوبی و سلاطین» در آن دیده می شود.

نیز نامه ای از مولانا میرحسین سهوی به مولانا طوفی تبریزی یکی از شاعران معرفی شده در بخش تبریز در آن مندرج است (ص ۳۳).

این جنگ چاپ نشده اما نامه های آن با عنوان «بررسی زندگانی میر تذکره در آینه منشآت او» توسط نفیسه ایرانی در مجله تاریخ ادبیات دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۸۹، ش ۶۶/۳ بررسی و چاپ شده اند.

۵. دیوان: در منابعی چون الذریعه (آقابزرگ، ۱۳۵۵، ۲۱۲/۷ و منزوی، ۱۳۴۷، ۳/ ص ۲۲۶۰؛ ۱۳۶۷، ۹/ ص ۲۰۲۹)، به دیوان ذکری کاشانی اشاره کرده اند که طبق گفته بهادر (۱۳۵۵، ۲۸۷/۴) این دیوان در کتابخانه آصفیه هندوستان به شماره ۱۰۱۹ نگهداری می شود اما تا زمانی که خود این اثر از نزدیک دیده نشود، صحت و سقم انتساب آن به تقی الدین محل تردید است.

اما صرف نظر از دیوان تقی، قطعاتی چند از سروده های تقی در بخش ذیل خاتمه از نسخه ایندیا آفیس (گ ۱۲۸۸/۱۲۹۹ ر)، زیر عنوان «ذکری» آمده است که ما برخی از آنها را از روی نسخه مذکور نقل می کنیم.

نمونه‌هایی از سروده‌های تقی‌الدین کاشی

بر اساس نسخهٔ ایندیا آفیس

بیچاره‌ای که بهر دل از جان گذشته است

از هجر و وصل یار چه آسان گذشته<sup>۱</sup> است

از رشک غیر بوده و هجران بی‌وصال

هر عاشقی که از سر جانان گذشته است

بی بال و پر شدم پی وصل [تو] همچنانک

پروانه‌ای بر آتش سوزان گذشته است

آبادی‌ای نمانده در این دل از آنکه ناز

با خیل خویش زین ده ویران گذشته است

رنگین شده است دامن پاکی<sup>۲</sup> به خون [دگر]

گویی ز جوی دیده‌گریان گذشته است

ذکری چه شد که یاد وصالش نمی‌کنی

گویا که یارت از سر پیمان گذشته است

بر زخمهای دل که ز بیرون گذشته است

افسون مدم که کار ز افسون گذشته است

محمود را مگر گله‌ای بود کز ایاز

جان را به وصل داده و محزون گذشته است

احوال زندگانی مجنون و محنتش

بشنو ز ناقه‌ای که [ز] هامون گذشته است

مجنون لیلی‌ام که ز عشق وفا مدام

پنهان ز غیر بر سر مجنون گذشته است

جای عبور نیست در این دل، به حیرتم  
 کآن مه چگونه زین دل پر خون گذشته است  
 دل سختی‌اش ببین که درونم اثر نکرد  
 آن سیل گریه‌ای که ز جیحون گذشته است  
 بی‌باکی‌اش نگر که نبوده است برحذر  
 زان آه و ناله‌ای که ز گردون گذشته است  
 ذکر [ی] خبر نداده ز عشق بدین ستم  
 چندان که بر معانی مضمون گذشته است [کذا]

\*

|                                     |                                         |
|-------------------------------------|-----------------------------------------|
| ای [به] همه آشناوی ز خدا بی‌خبر     | عشق که بود اینکه داد حسن تو را این نمود |
| حرف مکافات اگر نیست غلط در جهان     | هرچه بکاری ز جود زود بنخواهی درود       |
| *                                   |                                         |
| گر چنین خونابه ریزد دیده‌گریان من   | عاقبت دریا شود افسرده دامن من           |
| گر دلم در سینه سوزان نباشد دور نیست | کشت عالم سوخته است از آتش پنهان من      |
| چون ندیدی در صف نظارگان خود مرا     | هیچ پرسیدی چه شد آن خسته مژگان من       |
| *                                   |                                         |
| دگر به یار نصیحت نمی‌توانم کرد      | ز رشک هجر شکایت نمی‌توانم کرد           |
| میانه من و یارم بسی حکایت‌هاست      | ولیک هیچ روایت نمی‌توانم کرد            |
| هزار مسئله حل کرده‌ام به علم نظر    | علاج درد محبت نمی‌توانم کرد             |

\*

عشق بی‌یار مصور نشود یار کجاست  
 یار بسیار ولی یار وفادار کجاست  
 زاهد و سبجه و طاعت اگر این است ای دل  
 تار تسبیح چهل رشته زنار کجاست  
 کشف اسرار محبت نکند جز می صاف  
 مشکلم هست ولی کاشف اسرار کجاست

من برآنم که کنم ترک تمنای رخس  
حسن در جلوه که آن طالب دیدار کجاست

حافظ ار بشنود این شعر به «ذکری» گوید  
دفتر نظم تو ای جامع اشعار کجاست

\*

دل که کارش ناله و فریاد در حرمان اوست  
چند روزی شد که خود پابسته احسان اوست

چشم اگر محو جمالش گشته حق با اوست لیک  
حیرتی دارم که جان در تن چرا حیران اوست

کشتن خلقی که نالاید دم تیغش به خون  
شیوه نازی ز بران خنجر مژگان اوست

\*

|                                                |                                  |
|------------------------------------------------|----------------------------------|
| ارباب عشق در ره عشقش [به سر] روند <sup>۱</sup> | با سینه پراش و با چشم تر روند    |
| مردان راه عشق به منزل رسیده‌اند                | گمراه آن کسان که به راه دگر روند |
| مستانه‌ایم و بی‌خبر از خویش می‌رویم            | مردان این طریق ز خود بی‌خبر روند |
| با آن کسان که می‌چکد از حرفشان اثر             | کاری مکن که بر سرورد سحر روند    |

\*

یارب آن شوخی که مردم از غم هجران او  
قدرتم ده تا بگیرم در جزا دامان او

صد نگهبان پیش‌دار[ش] از نگه‌های نهان  
چون گریزد این دل سرگشته از زندان او

نوح وقتم ای دل از هجران او کز سیل اشک  
تازه شد در عهد من بار دگر طوفان او

سروهای باغ جنت خشک گرداند ز حد  
ناز اگر در جلوه آرد گوشه دامان او

خویش را چون زلف او گه گوی و گه چوگان بیار  
گوی شو یکبارگی اندر خم چوگان او  
از برای نام و ننگ<sup>۱</sup> ترک او ذکر می‌کن  
صد هزاران به ز تو هست [ند] سرگردان او

\*

با دل به یاد دوست قراری گرفته‌ایم  
وز هرچه غیر اوست کناری گرفته‌ایم  
روشن کنیم چشم جهانی ز خاک خویش  
این توتیا ز راه‌گذاری گرفته‌ایم  
خاکم همیشه سرمه فرستد به دیده‌ها  
این منزلت ز عشق نگاری گرفته‌ایم  
سازیم تن چو رشته و سوزیم همچو شمع  
این آتش [از] فروغ عذاری گرفته‌ایم  
آن لب چو تن به بوس تمامی نمی‌دهد  
زان همچو زلف جا به کناری گرفته‌ایم  
در گلشن زمانه چو جای نشست نیست  
چون گل مقام بر سر خاری گرفته‌ایم  
شد سالها که خدمت میخانه می‌کنم  
این کار ذکر می‌کنم از پی کاری گرفته‌ایم

\*

پی طواف علی رضا امام مبین  
که هست همچو علی ولی، ولی خدا  
چو طوف مرقد پاکش دوبار حاصل شد  
مرا که چشم شفاعت بدوست روز جزا

## خرد چو طالب تاریخ گشت گفت قدر

دوم زیارت مشهد [۱۰۱۷]<sup>۱</sup> نوشت کلک قضا

✱

وله فی الرباعیات

می‌گرم<sup>۲</sup> و می‌گدازم<sup>۳</sup> و می‌سوزم روزی که از عشق او ورق می‌گیرم

صد مسئله را ز یک ورق می‌گیرم از درد محبتش عرق می‌گیرم

✱

در فرقت تو چشم پرآبی داریم از دوریت از ذوق عذابی داریم

در رفتن عمر خود شتابی داریم تا آنکه زمان هجر کوتاه شود

✱

یعنی که ز زندگی عذابی دارم در جان ز فراق اضطرابی دارم

وز بخت خود آرزوی خوابی دارم شاید که به خواب ما درآیی تو شبی

✱

گر بنشانم درخت بید شود [کذا] از بخت بدم امید نومید شود

گر جرم فلک تمام خورشید شود بر کلبه تار ما نیفتد پرتو

(اینندیا آفیس، گ: ۱۲۸۸ ر- ۱۲۹۲ ر)

ابیاتی نیز از تقی الدین کاشی در تذکره عرفات العاشقین (۳/ص ۸۷۴) و تذکره روز روشن (ص ۲۰۵) آمده است. گلچین معانی (همان، ۵۵۳) قطعه‌ای از تقی الدین را به نقل از سفینه‌ای از قرن یازدهم، در تاریخ تذکره‌های فارسی آورده است.

۶. خلاصه الأشعار و زبدة الأفكار: در مورد این تذکره مفصل‌تر سخن خواهیم گفت.

وی همچنین نسخه‌های ذکر الشیعه فی احکام الشریعه از شهید اول، نهج الحق و کشف الصدق از علامه حلی، منیه اللیب فی شرح التهذیب از اعرجی حلی، بصائر الدرجات از محمد بن حسن صفار، مختلف الشیعه از علامه حلی را کتابت کرده است، که این نسخه‌ها در کتابخانه‌های مرعشی و مجلس نگهداری می‌شوند.<sup>۴</sup>

۱. در صورت صحت این ماده تاریخ، تقی کاشی در سال ۱۰۱۷ نیز در قید حیات بوده است (ایرانی، نفیسه،

مقدمه خلاصه الأشعار و زبدة الأفكار، بخش شیراز و نواحی آن، ص نه) نیز (همو، میرتذکره، ص ۳۶).

۲. اصل: می‌گیرم. ۳. اصل: می‌گذرم.

۴. در این مورد بنگرید به: رحیم پور، مهدی، ۱۳۹۴ «چند نسخه به خط تقی الدین محمد کاشانی صاحب

خلاصه الأشعار و زبدة الأفكار»، ص ۲۸۹-۳۰۴.

لازم به توضیح است اثری که با عنوان شرح منظوم دیوان امام علی (ع) به تقی الدین کاشی منسوب و چاپ شده است (نظری، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۰۱۷ - ۱۰۲۴) نوشته تقی الدین نیست، بلکه این ترجمه منظوم برگزیده‌ای است از شرح منظوم دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علی (ع) از قاضی کمال الدین حسین بن معین الدین میبدی یزدی (۹۰۹ ق)، که تقی کاشی بدون ذکر منبع آن را در خلاصه‌الاشعار آورده است. این اثر به صورت مستقل از روی خلاصه‌الاشعار کتابت شده (نک: صدرایی خویی، ۱۳۷۷، ۱۲۷/۳۸) و نظری چنین تصور کرده که این اثر از تقی کاشی است. گواه این مدعا آن است که تمامی ابیاتی که در مقاله نظری به اسم تقی کاشی آمده، عیناً در ضمن شرح دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب آمده است. (نک: میبدی یزدی، ۱۳۷۹، ص ۳۰۱ به بعد)

خلاصه‌الاشعار و زبدة الافکار: مهم‌ترین اثر تقی الدین کاشی است که نگارش آن از سال ۹۷۵ ق آغاز و تا سال ۹۸۵ ق چهار مجلد آن تألیف شده است. در سال ۹۹۳ ق یک مجلد دیگر بر آن افزوده شده است. رفیع الدین حیدر معمایی (وفات: ۱۰۲۵ ق) این رباعی را در خصوص مجلد اخیر گفته است:

چون پنج کتاب تقی تذکره سنج      در مخزن جلد جا گرفتند چو گنج  
تا هریک را درست باشد تاریخ      بر «پنج کتاب تقی» افزودم پنج  
(نک: نسخه‌ایندیا آفیس، گ ۱۳۴۶ ر)

وسواس تقی در تألیف این تذکره به حدی است که هر بار به نکته‌ای تازه یا ابیاتی جدید از دیوان یک شاعر دسترسی پیدا می‌کرد، آن را وارد تذکره‌اش می‌کرد. وی تا سال ۱۰۱۶ ق که آخرین مرحله افزون‌سازی‌ها و حاشیه‌نویسی‌های خلاصه‌الاشعار در آن تاریخ صورت گرفته، این کار را انجام می‌داد و همین امر از عواملی است که کار را برای مصححان بخشهای مختلف خلاصه‌الاشعار دشوار کرده است. همانطور که در بحث از وفات تقی نیز به آن اشاره شد او در سال ۱۰۱۶ ق نوشتن تذکره را به دلیل ضعف قوا به پایان رساند و در ذکر تاریخ اختتام و التزام بر اتمام آن، ماده تاریخ زیر را سروده است:

لازم شده در یقین تصنیف، جلد ششمین برای ناظم  
زیرا که اضافه‌هاست در وی، از شعر اصاغر و اعظم  
گشته است تمام این مجلد یک بار دگر به سعی خادم  
تاریخ‌نگار زان سبب گفت: شد ست مجلدات لازم  
(همان، گ ۱۳۴۶ پ)

### ساختار کلی خلاصه‌الشعار و زبدة‌الافکار

تذکره با یک مقدمه در سبب گردآوری اشعار آغاز می‌شود. در ادامه در چهار فصل به بیان عشق و محبت و شرایط آن می‌پردازد، آن چهار فصل از این قرارند:  
**فصل اول:** در بیان ایجاد عشق و معرفت آن که عشق ازلی است و اینکه محبت اول از جانب الهی است به حکم منطوق آیه «یحبهم و یحبونه». (مانده ۵۴)  
**فصل دوم:** در تعریف و فضیلت عشق و مذمت کسانی که هوس را عشق نام نهاده‌اند.  
**فصل سوم:** در تقسیم عشق به مجاز و حقیقت و شرایط محبت از جانب محب و نصیحت جماعتی که منکرند مودت را.  
**فصل چهارم:** در شرایط محبت از طرف محبوب مجاز و مذمت جماعتی که معشوقی را ندانسته‌اند.

پس از این بخش اختیارات دیوان حضرت علی(ع) آمده است و سپس ارکان چهارگانه خلاصه‌الشعار که در ذکر شعرای متقدم از زمان آل سبکتگین تا زمان مؤلف را شامل می‌شود، آغاز می‌شود. ترتیب و محتوای این ارکان چنین است:  
**رکن اول:** تذکره شعرای متقدمین از زمان آل سبکتگین از قصیده‌گویان و بیان حالات عشق ایشان (شامل ۵۴ شاعر)  
**رکن دوم:** مشتمل بر ذکر غزلسرایان متقدمین و بعضی قصیده‌گویان که با ایشان معاصر بوده‌اند. (۴۲ شاعر)

**رکن سوم:** مشتمل بر غزلگویان و بعضی از قصیده‌گویان متأخرین (۴۹ شاعر)

رکن چهارم: شعرای زمان سلطان حسین میرزا الی زمان هذا التالیف (۱۰۲ شاعر)  
پس از این بخش، خاتمه تذکره است که مبتنی است بر دوازده اصل و هر اصل ویژه  
یک ناحیه‌ای.

اصل اول: در ذکر شعرای دارالمؤمنین کاشان (۵۶ شاعر)

اصل دوم: در ذکر شعرای اصفهان (۴۷ شاعر)

اصل سوم: در ذکر شعرای دارالمؤمنین قم و نواحی آن (۱۶ شاعر)

اصل چهارم: در ذکر شعرای ساوه و نواحی آن (۱۴ شاعر)

اصل پنجم: در ذکر شعرای دارالسلطنه قزوین (۲۵ شاعر)

اصل ششم: در ذکر شعرای گیلان و دارالمرز مازندران و نواحی آن (۱۸ شاعر)

اصل هفتم: در ذکر شعرای دارالسلطنه تبریز و آذربایجان و نواحی آن (۳۵ شاعر)

اصل هشتم: در ذکر شعرای یزد و کرمان و نواحی آن و دیار هندوستان (۴۰ شاعر)

اصل نهم: در ذکر شعرای دارالافاضل شیراز و نواحی آن (۳۵ شاعر)

اصل دهم: در ذکر شعرای بلدة الاسلام همدان و نواحی آن و بعضی الکات فراهان و

امثال آن (۳۱ شاعر)

اصل یازدهم: در ذکر شعرای دارالخلافه ری و دارالفتح استرآباد و نواحی آن بلاد

(۳۱ شاعر)

اصل دوازدهم: در ذکر شعرای سخن سرایان بلاد خراسان (۵۱ شاعر)

بعدها تقی‌الدین ذیلی بر تذکره‌اش اضافه کرده که مربوط به شاعرانی است که پس از  
اتمام کار، اشعارشان به دستش رسیده است یا به تازگی به شاعری روی آورده‌اند. این  
بخش شامل بیش از دویست شاعر بدون شرح حال است. نام این شاعران هم در نسخه  
این‌دیا آفیس و هم در فهرست نسخه برلین (پرچ، ۱۸۸۸، ۶۱۲-۶۱۶) آمده است. تقی  
اشعار خود را نیز ذیل عنوان «ذکری» در این بخش آورده است.

به طور کلی خلاصه‌الاشعار شامل شرح احوال و منتخب اشعار بیش از ششصد شاعر  
است که با احتساب شعرای بخش ذیل به بالای ۸۰۰ شاعر می‌رسد.

## شیوه‌های نگارش

تقی در بخش متقدمان، ترتیب شعرا را بر اساس تاریخ فوت آورده است، ولی در بخش خاتمه، که معاصران را شامل می‌شود، نام شاعران بر اساس شهری که در آن متولد شده‌اند و یا متوطن آنجا هستند ذکر شده است.

انواع قالب‌های شعری اعم از قصیده، غزل، رباعی، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند و حتی نمونه‌ای از نثر (بخشهایی از اخلاق‌الاشراف عبید زاکانی) در تذکره آمده ولی مؤلف التزام در نیابردن مثنوی داشته است (گلچین، همان، ۵۴۴).

نثر خلاصه‌الشعار نسبتاً ساده است. اما گاهی در مقدمه‌ها معمولاً به اقتضای موضوع، چند سطری را به عبارت‌پردازی و آوردن سجع و انواع تشبیهات و کاربرد آیات و احادیث و اشعار اختصاص داده است.

## منابع تقی کاشی در خلاصه‌الشعار

تقی در خلاصه‌الشعار کتابهایی چون چهارمقاله، المعجم فی معاییر اشعارالعجم، حقائق‌السحر، تذکره دولتشاه سمرقندی، مجالس‌النفایس، تاریخ جعفری، تحفه سامی و چند منبع دیگر را به عنوان منابع تألیف تذکره‌اش ذکر کرده است.

البته در بخش خاتمه اصلی‌ترین منبع تقی‌الدین، یا از طریق مسافرائی تأمین می‌شد که با آنها دوستی و ملاقات داشته، یا از طریق شاعرانی بود که در مسافرتها خود با آنها دیدار داشته است. «سفاین مستعدان» یا «معمدی که در جمیع اقوال اعتماد به گفته ایشان» است از دیگر منابع تقی به شمار می‌روند. (ایرانی، همان، ۵۰). اما در انتخاب برخی افراد و شاعران لحن او در ابتدای معرفی آن شاعر، حاکی از عدم رضایت قلبی و قرار گرفتن در برخی موقعیت‌های خاص است که به علت اصرار صاحبان اشعار نتوانسته از قید آنها در تذکره خود سرباز زند:

«اما اشعار مولانا حالی، آنچه در این خلاصه مثبت می‌شود چند بیت است که خود انتخاب نموده و امر تسطیر و تحریر در این خلاصه نموده و لهذا این کمینه اینجا لایمزه به